

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۲۴

دانشگاه پیام نور - کتابخانه مرکزی
پشت سربرداشت

شماره ثبت	P
شماره مدرک	۷۴۴
شماره وکیرت	۸۶۴۲

دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبان انگلیسی

عنوان پایان نامه

بررسی گروه اسمی در گویش لکی سلسله

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبانشناسی همگانی

استاد راهنما :

دکتر یداله پرمون

مولف : صمد عزیزپوریان

۱۳۸۷ / ۲ / ۱۴

۱۰۵۳۴۷



دانشگاه پیام نور

تصویب نامه

پایان نامه تحت عنوان

بررسی گروه اسمی در گویش کلی سلسله

ع

نمره: ۱۸ (هجده) درجه: عا

تاریخ دفاع: ۸۵ / ۱۱ / ۲۸

اعضای هیات داوران

نام و نام خانوادگی:	هیات داوران	مرتبه علمی	امضاء
۱- جناب آقای دکتر یداله پرمهون	استاد راهنما	استاد	
۲- سرکار خانم دکتر بلقیس روشن	استاد داور	استاد داور	
۲- سرکار خانم دکتر بلقیس روشن	نماینده گروه	استاد داور	

تقدیم به :

پدر بزرگوارم

مادر عزیزم

همسر مهربان

و

فرزند دلبندم سامان

تقدیر :

اکنون که به یاری خداوند این پژوهش را به پایان رسانده ام شکر و سپاس خود را به درگاه قادر متعال اظهار می دارم ، بی شک بی مدد خداوند پیمودن چنین مرحله ای ممکن نبود.

بر خود واجب می دانم که از همه اعضای هیئت علمی گروه زبان شناسی دانشگاه پیام نور بویژه جناب آقای دکتر یداله پرمون که زحمت راهنمایی این پژوهش را به عهده داشتند و با حوصله فراوان پاسخگوی مشکلات و ابهامات اینجانب بودند و سرکار خانم دکتر بلقیس روشن مدیر گروه زبان شناسی دانشگاه پیام نور که دلسوزانه راهنمایی خود را از بنده دریغ نورزیده و جناب آقای باقر پسندی کارشناس محترم گروه زبان شناسی که زحمات فراوانی را در جریان تصویب و تدوین پایان نامه متحمل شده اند تشکر نموده و توفیق و سلامت همگان را از درگاه خداوند خواستارم.

نام خانوادگی دانشجو : عزیزپوریان

نام : صمد

عنوان پایان نامه : بررسی گروه اسمی در گویش لکی سلسله

استاد راهنما : دکتر یداله پرمون

مقطع تحصیلی : کارشناسی ارشد رشته : زبانشناسی

گرایش : همگانی دانشگاه: پیام نور

دانشکده : علوم انسانی تاریخ فارغ التحصیلی: تعداد صفحه :

چکیده :

پژوهش حاضر با عنوان گروه اسمی در گویش لکی سلسله ارائه گردیده است. هدف از آن ارائه تصویری از گروه اسمی بعنوان بخش اصلی نحو در گویش لکی و مقایسه آن با گروه اسمی در فارسی معیار است. سوالات این پژوهش عبارتند از :

۱- ساختار گروه اسمی در گویش لکی سلسله چگونه است ؟

۲- وابسته های پسین و پیشین کدامند ؟

۳- ترتیبهای ممکن وابسته ها و هسته کدامند ؟

در این پژوهش، پژوهشگر از شم زبانی خود استفاده نموده و با شش گویشور بومی برای تولید داده ها مصاحبه نموده است. در این پژوهش ابتدا واج های موجود در گویش از طریق جانیشینی استخراج شده سپس گروه اسمی ، عناصر تشکیل دهنده و توالی آنها آمده است. تکیه گاه نظری مباحث مطرح شده نظریه زایشی است و نظر به اینکه علم زبان شناسی به مفهوم نوین آن زبان شناسی همزمانی است لذا ملاحظات تاریخی یا در زمانی در این پژوهش لحاظ نگردیده است. این پژوهش نشان می دهد که ساخت گروه اسمی در گویش لکی و فارسی معیار اساساً یکی است و این خود بیانگر آن است که لکی و فارسی دارای یک نیای مشترک می باشند.

کلید واژه ها : گویش لکی - نحو - گروه اسمی - هسته - وابسته

۰	پیشگفتار
و	نشانه های آوانویسی
و	همخوان ها
ز	واکه ها
ح	سایر نشانه ها
	فصل اول : (کلیات)
۱	۱-۱) مقدمه
۲	۲-۱) زبان - گویش - لهجه
۴	۳-۱) بررسی گویش لکی و موقعیت آن در میان سایر گویشها
۴	۱-۳-۱) واژه لک از دیدگاه فرهنگ نویسان
۵	۲-۳-۱) تفاوت گویش لکی و لری از دیدگاه زبانشناسی
۶	۳-۳-۱) گویش لکی و موقعیت آن
۷	۴-۱) کلیاتی پیرامون شهرستان سلسله
۷	۱-۴-۱) ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی
۷	۲-۴-۱) ویژگیهای اقتصادی
۷	۵-۱) هدف از انجام پژوهش
۷	۶-۱) سوالات تحقیق
۸	۷-۱) روش انجام کار
۸	۸-۱) مطالعات انجام گرفته
۹	۹-۱) توصیف واجی و استخراج واج ها
۱۰	۱-۹-۱) توصیف همخوان ها
۱۹	۲-۹-۱) توصیف واکه ها

فصل دوم : مبانی نظری

۲۵	۱-۲ زبان شناسی و زبان
۲۵	۱-۱-۲ زبان شناسی زایشی
۲۶	۱-۱-۱-۲ توانش زبانی
۲۷	۲-۱-۱-۲ بخش های دستور زبان زایشی
۲۸	۳-۱-۱-۲ قواعد سازه ای
۲۹	۱-۳-۱-۱-۲ سازه های اسمی
۳۱	۲-۲ مفاهیم پایه

فصل سوم : گروه اسمی در گویش لکی

۳۲	۱-۳ تعریف گروه
۳۲	۲-۳ تعریف گروه اسمی
۳۲	۳-۳ تعریف گروه اسمی در گویش لکی
۳۳	۴-۳ عناصر ساختمانی گروه اسمی
۳۴	۵-۳ هسته
۳۵	۱-۵-۳ هسته به صورت اسم
۳۶	۱-۱-۵-۳ نشانه های صرفی اسم در گویش لکی
۳۶	۱-۱-۱-۵-۳ شناختگی
۳۶	۱-۱-۱-۱-۵-۳ اسم معرفه و نشانه های آن
۴۰	۲-۱-۱-۱-۵-۳ اسم نکره و نشانه های آن
۴۲	۲-۱-۱-۵-۳ اسم مفرد و جمع و نشانه های مفرد و جمع
۴۴	۱-۲-۱-۱-۵-۳ صورت جمع و نشانه های آن
۴۶	۲-۵-۳ هسته بصورت ضمیر
۴۷	۱-۲-۵-۳ ضمایر شخصی

۴۷	ضمایر شخصی جدا (۱-۱-۲-۵-۳)
۴۸	ضمایر شخصی پیوسته (۲-۱-۲-۵-۳)
۴۹	ضمایر اشاره (۳-۵-۳)
۵۰	ضمایر مشترک (۴-۵-۳)
۵۲	ضمایر مبهم (۵-۵-۳)
۵۴	ضمایر پرسشی (۶-۵-۳)
۵۵	ضمایر متقابل (۷-۵-۳)
۵۶	وابسته های اسم (۶-۳)
۵۶	وابسته های پیشین اسم (۱-۶-۳)
۵۷	وابسته های پیشین ۱ (۱-۱-۶-۳)
۵۸	وابسته پیشین ۲ (۲-۱-۶-۳)
۵۸	وابسته های عددی یا شمارشی (۱-۲-۱-۶-۳)
۵۸	اعداد اصلی (۱-۱-۲-۱-۶-۳)
۶۰	اعداد کسری (۲-۱-۲-۱-۶-۳)
۶۱	اعداد ترتیبی (۲-۲-۱-۶-۳)
۶۲	وابسته صفت عالی (۳-۲-۱-۶-۳)
۶۲	صفت tanyâ (۴-۲-۱-۶-۳)
۶۳	وابسته پیشین اسم ۳ (۳-۱-۶-۳)
۶۳	وابسته های اشاره یا صفت های اشاره (۱-۳-۱-۶-۳)
۶۴	صفت ها یا وابسته های پرسشی (۲-۳-۱-۶-۳)
۶۵	صفت های مبهم (۳-۳-۱-۶-۳)
۶۶	وابسته های تعجبی (۴-۳-۱-۶-۳)
۶۷	خلاصه وابسته های پیشین (۴-۱-۶-۳)

۶۷	۷-۳) وابسته های پسین
۶۸	۱-۷-۳) وابسته پسین ۱
۷۱	۱-۱-۷-۳) صفت ساده
۷۲	۲-۱-۷-۳) صفت برتر
۷۳	۳-۱-۷-۳) صفت برترین
۷۴	۲-۷-۳) وابسته پسین ۲
۷۵	۳-۷-۳) وابسته پسین ۳
۷۶	۴-۷-۳) وابسته پسین ۴
۷۷	۱-۴-۷-۳) حروف اضافه
۷۸	۱-۱-۴-۷-۳) حروف پیش اضافه
۷۹	۲-۱-۴-۷-۳) حروف پس اضافه
۸۰	۵-۷-۳) وابسته پسین ۵

فصل چهارم : دستاوردهای پژوهش

۸۲	۱-۴) گروه اسمی در گویش لکی
۸۴	۱-۱-۴) نشانه های صرفی اسم
۸۵	۲-۱-۴) وابسته های پیشین اسم
۸۷	۳-۱-۴) وابسته های پسین اسم
۸۹	۲-۴) تفاوت های موجود میان گروه اسمی در گویش لکی و فارسی معیار
۹۰	۳-۴) پیشنهادهایی برای پژوهش بیشتر

پیشگفتار :

آنچه که موضوع پژوهش و بررسی این نوشتار می باشد، گروه اسمی در گویش لکی سلسله است که در چهارفصل به شرح زیر مدون گردیده و شکل یافته است.

فصل اول : به بیان کلیاتی در اهمیت موضوع، تعریف زبان، گویش و لهجه، موقعیت جغرافیایی و ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی منطقه ای که گویش مورد بحث نوشتار در آن رواج دارد، سوالات تحقیق، هدف از مطالعه و پژوهش، و استخراج واج ها از طریق جانشینی می پردازد.

فصل دوم : به بیان مبانی نظری پژوهش و تبیین دقیق حوزه مورد بررسی این پژوهش می پردازد.

فصل سوم : به تعریف گروه اسمی در گویش لکی، توصیف عناصر تشکیل دهنده گروههای اسمی اعم از هسته و وابسته های پیشین و پسین و توالی آنها در جمله می پردازد.

فصل چهارم : به خلاصه رساله، پیامدهای نظری موضوع و پیشنهادهای برای پژوهش بیشتر می پردازد.

لازم به ذکر است که تکیه گاه نظری مباحث این پژوهش نظریه زایشی است و در حد توان سعی پژوهشگر بر آن بوده که مباحث مطرح مبتنی بر مبانی و معیارهای این نظریه طرح شود و مورد بررسی و سنجش واقع شوند و نظر به اینکه علم زبان شناسی به مفهوم نوین آن یعنی زبانشناسی علمی و همزمانی است لذا ملاحظات تاریخی یا در زمانی در این پژوهش لحاظ نگردیده است.

نشانه های آوانویسی

نظام آوانویسی IPA با داشتن علائم و مشخصه های متعدد نسبت به نظام آوانویسی آمریکایی دارای قدرت بیشتری در بازنمایاندن ظرائف آوایی است ولی از آنجا که موضوع اصلی این پایان نامه بررسی گروه اسمی در گویش لکی است و نه بیان ظرائف و ویژگیهای آوایی، از طرفی با توجه به مشکلاتی که در تایپ علائم IPA وجود دارد لذا در نمایاندن واج های گویش لکی از سیستم آمریکایی استفاده شد البته هر جا که تشخیص داده شده بنا به ضرورت از علائم IPA استفاده شده است.

همخوان ها

نشانه	مثال در گویش	معنی فارسی
۱ p	per	پُر
۲ b	ben	عمق
۳ t	tuz	گرد و غبار
۴ d	dâr	درخت
۵ k	Kol	کوتاه
۶ g	gâ	گاو
۷ ŋ	šaŋ	فشنگ - گلوله
۸ q	qan	قند
۹ ?	?ivăra	غروب
۱۰ f	fečfač	بج بچ
۱۱ s	serow	سراب
۱۲ z	zel ^l	زرنگ
۱۳ š	šew	شب
۱۴ ž	žan	زن

ز			
۱۵	x	xamin	غمبار
۱۶	h	homa	شما
۱۷	č	čam	کنار روخانه
۱۸	J	Jâmâl	منزلگه
۱۹	r	ruž	روز
۲۰	m	mâl	خانه
۲۱	n	nem	نم
۲۲	L ⁱ	Lîâ	کنار - پهلوی
۲۳	L	kol	کوتاه
۲۴	w	mâw	می شود
۲۵	v	vir	یاد - حافظه
۲۶	y	yak	یک

واکه ها

۱	I	?i	ایشان
۲	ě	žěr	زیر
۳	e	me	می دهد
۴	ə	mə	من
۵	o	žo(n)	درد زایمان
۶	ō	tō	تو
۷	ö	tö	تب
۸	ǎ	žǎr	فقیر

ح

۹ a

mas

چاق

۱۰ u

zur

زور

سایر نشانه ها

نشانه

توضیح

C

همخوان

V

واکه

:

کشش واکه ای

XX

تکرار همخوانی

/

یا

→

باز نویسی می شود به

←

Φ

صفر

()

اختیاری

[]

آوانویسی

//

واج نویسی

*

غیر دستوری

{ }

امکانات چندگانه

s

جمله

NP

گروه اسمی

VP

گروه فعلی

فصل اول

کلیات

گردآوری گویش های محلی و پژوهش درباره آنها از دیدگاه زبان شناسی اهمیت بسزایی دارد. هر یک از واژه های یک گویش نمایانگر گوشه ای از تاریخ اجتماعی و فرهنگی ملت ماست و توصیف آنها می تواند در هر چه غنی تر کردن زبان فارسی و بازسازی زبانهای کهن مفید واقع شود. بهره گیری از عناصر گویش های مردمانی که در حوزه جغرافیایی یک ملت مجتمع اند، به ویژه عناصری همچون واژگان و ساختار دستوری گویش می تواند بسیاری از نیازهای زبان فارسی به واژه های معادل و تدوین ساختار دستوری را مرتفع می سازد، چون واژه هایی که از گویش ها و لهجه های نزدیک به یک زبان قرض گرفته می شوند به آسانی در آن زبان رایج شده و بکار می روند.

تحول گویش ها در برخی مناطق با فارسی معیار و هم چنین با یکدیگر فرق دارد. بررسی تطبیقی این گویش ها با یکدیگر و دسته بندی آنها گذشته فرهنگی ایرانیان را روشن تر و در تاریخ، مردم شناسی، باستان شناسی و غیره می توان از آنها بهره های زیادی جست. چون این بررسی ها روابط ایرانیان را با برخی ملت های دیگر و نفوذ زبان و فرهنگ آنان را در یکدیگر روشن می سازد، یکی از اهداف عمده پژوهشکده زبان و گویش، جمع آوری و مستند سازی گویش های متداول در ایران است تا بدین وسیله اطلس زبانهای ایرانی فراهم گردد و میراث غنی و کهن این مرز و بوم ثبت و ضبط شود. چون زبان فارسی و گویش ها و زبان های ایرانی هر یک با قدمتی بسیار کهن فراز و نشیبهای زیادی را طی نموده اند تا به وضعیت کنونی رسیده اند، لذا آگاهی از این گونه ها و گویش های زبانی و آشنایی با زبان و فرهنگ هر جامعه می تواند در بسیاری از زمینه های اجتماعی، فرهنگی و برنامه ریزی علمی، اقتصادی و سیاسی راهگشای برنامه ریزان باشد. شناسایی و بررسی علمی هر یک از گویش های ایرانی گامی مهم در نگارش فرهنگ های موثر در رشته های گوناگون علمی، برنامه ریزی زبانی، کمک به بررسی فرهنگ مردم و نهایتاً غنای زبان فارسی بشمار می رود. از طرف دیگر با توجه به گسترش آموزش همگانی و گسترش دامنه رسانه های گروهی از قبیل رادیو، تلویزیون و مطبوعات، در نتیجه با سواد شدن مردم روز به روز از شمار گویشوران گویش های گوناگون کاسته می شود و زبان

رسمی با روندی سریع جایگزین گویش ها و زبان های محلی می شود و آنها را از میان بر می دارد و در نتیجه دیری نمی پاید که وضعیتی همانند بسیاری از کشورهای اروپائی و امریکای شمالی پیش خواهد آمد چون چنین تحولی خاص کشورهای معین نبوده و دامنگیر بسیاری از جوامع بشری شده و خواهد شد. لذا هر چه کار ثبت و ضبط لهجه ها و گویش های محلی دیرتر انجام شود، زبان هنگفتی متوجه تاریخ زبان های ایرانی و در نتیجه تاریخ زبان فارسی خواهد شد. از این رو بر دانش پژوهان به ویژه دانشجویان زبان شناسی است که گویش شناسی در ایران را به شکل علمی گسترش دهند تا در کشوری که مهد گویش های متعدد و متنوع است تنها شاهد چاپ چند واژه نامه دستور سستی که بیشتر توسط افراد غیر متخصص به منظور ثبت گویش ها انجام گرفته نباشیم.

بر همین اساس این پژوهش در پی آن است تا با بهره گیری از اطلاعات زبان شناسی به گردآوری و توصیف علمی گروه اسمی در گویش لکی سلسله پردازد. با این آرزو که این بررسی و پژوهش گامی در راه حفظ میراث فرهنگی و پشتوانه ای برای زبان فارسی و دیگر گویش های ایرانی محسوب شود و انگیزه ای برای دیگر پژوهشگران در زمینه های زبان شناسی، جامعه شناسی، مردم شناسی و غیره باشد.

۱-۲) زبان - گویش - لهجه

بیش از هر چیز یادآوری این نکته لازم است که زبان شناسان در مورد این اصطلاحات تعاریف کم و بیش مشابه ای را ارائه داده اند که البته دارای تفاوت های جزئی هم می باشند. چون هر یک از زبان شناسان بر پایه معیاری خاص که مدنظر آنها بوده به تعریف این اصطلاحات مبادرت ورزیده اند.

کلباسی (۱۳۷۰، صص ۱۲ و ۱۳) زبان را عبارت از یک نظام صوتی قراردادی می داند که بوسیله دستگاه گفتار آدمی تولید می گردد و افراد یک جامعه آن را برای ارتباط با یکدیگر بکار می برند.

به اعتقاد وی از آنجایی که هر زبانی در طول تاریخ خود تحت تاثیر عوامل چندی از جمله عوامل جغرافیایی، فرهنگی و برخورد زبانها و جز آن دستخوش دگرگونیهای فراوان می شود گونه ها و صورت های متفاوت پدیدار می گردد.

بدین ترتیب وی گویش را صورت تغییر یافته ای از یک زبان می داند که برای سخنگویان دیگر صورتها آن زبان قابل فهم باشد مانند مشهدی، یزدی، کرمانی، شیرازی، فارسی، افغانی و تاجیکی که مشتق از زبان فارسی دری اند.

مدرسی (۱۳۶۸، ص ۱۳۳) می گوید هر زبانی ممکن است دارای گویش های مختلف (گونه های که اختلاف واژگانی، تلفظی و ساختاری دارند) و نیز لهجه های گوناگون (گونه های که تنها تفاوت های تلفظی دارند) باشد. پس بطور کلی می توانیم بگوییم که لهجه به توصیف آن جنبه از تلفظ که تعیین کننده آن است که فرد سخنگو از کدام منطقه جغرافیایی و از چه طبقه اجتماعی است محدود می شود. اما گویش به توصیف مشخصه های دستوری و واژگانی و بعلاوه تلفظی می پردازد.

مدرسی نیز همانند زبان شناسان در دنباله بحث برای تشخیص زبان و گویش به بیان معیارهای زبانی همچون قابلیت فهم پذیری متقابل، نظام نوشتاری واحد، گستردگی واژگان و خویشاوندی تاریخی و معیارهای غیر زبانی همچون معیارهای سیاسی، فرهنگی، جغرافیایی و اجتماعی می پردازد و بهترین و معمول ترین معیار زبان شناختی برای تشخیص زبان از گویش را معیار فهم پذیری متقابل یا قابلیت فهم متقابل می داند و بر این اساس معتقد است که هر گاه گویشوران دو گونه زبانی بدون هیچ گونه آموزش آگاهانه بتوانند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند می توان آن دو گونه را گویش های متفاوت یک زبان واحد دانست. اما هر گاه تفهیم و تفاهم میان گویندگان آنها امکان پذیر نباشد باید آن دو را زبان جداگانه به حساب آورد.

هادسون (۱۹۹۱، صص ۳۱ و ۳۲) با استفاده از معیارهای گستردگی واژگان، اعتبار اجتماعی و دارا بودن نظام نوشتاری به تمایز بین زبان و گویش می پردازد.

بر اساس تعاریف و معیارهای ذکر شده قرار دادن لکی در زمره یک گویش از گویش های فارسی چندان پذیرفتنی نیست زیرا با وجود آنکه افراد لک زبان توانایی درک کلام فارسی را دارند که البته شاید بخاطر سیطره رسمی و

رسانه ای آن است اما این رابطه دو سویه نیست. یعنی گویشوران فارسی زبان قادر به درک کلام افراد لک زبان نیستند که این امر می تواند موضوع پژوهش تازه ای باشد.

به هر حال به دلیل همجواری با زبان کردی، لکی شباهت هایی با بعضی از گویش های کرمانشاهی دارد. که حتی دارای قابلیت تفهیم و تفاهم متقابل هم می باشند با این حال می توان گویش لکی را حلقه اتصال فارسی و کردی تلقی نمود که دارای ویژگیهای ساختاری از فارسی و ویژگیهای واژگانی از کردی می باشد.

۱-۳) بررسی گویش لکی و موقعیت آن در میان سایر گویش های ایرانی

۱-۳-۱) واژه لک از دیدگاه فرهنگ نویسان

فرهنگ های فارسی معانی گوناگون برای واژه «لک» ارائه کرده اند که به ذکر پاره ای از آنها می پردازیم.

۱- صحاح الفرس واژه «لک» را به معنی مردم رعنا و نیز بضم «ل» دارویی دانسته است که تیغه کارد را در دسته بدان محکم کنند.

۲- فرهنگ قوامی آن را به معنی «خام درای» آورده است. فرس اسدی واژه لاک، «لکا و لک» را یکی دانسته و آورده است که همه رنگی باشد سرخ که نقاشان بکار دارند.

۳- معین الدین نظنزی در «منتخب التواریخ» نوشته شده به سال ۸۱۶ ه. ق زیر نام شعب لک کوچک و اوضاع و احوال ایشان به قبیله «لک» اشاره کرده است (ژان اوین - ۱۳۲۶).

۴- برهان قاطع درباره واژه لک چنین نوشته است. ۱- به فتح اول و سکون ثانی صدهزار را گویند یعنی عدد هر چیزی که به صدهزار برسد آن را لک خوانند. ۲- نام طایفه ای باشد از کردان صحرانشین (معین - ۱۳۶۲) دکتر معین در حاشیه برهان به نقل از مجله یادگار چنین آورده است: طایفه ای از زندیه که خود بر دو بخش بود یکی لک و دیگری زند که آنرا «زند لکی» و اصطلاحاً «زنلکی» گویند و هم اکنون در اطراف عراق و سلطان آباد مشغول حشم داری می باشند.

۵- لغت نامه دهخدا لک ها را طایفه ای از ایلات کرد ایران معرفی کرده است که در کرمانشاه، همدان، اصفهان و کردستان سکنی گزیده اند (معین - ۱۳۴۵).

۶- دائرة المعارف فارسی نسبت به سایر فرهنگ های موجود، اطلاعات جامع تری درباره گویش لکی و قوم لک ارائه می دهد که به ذکر پاره ای از موارد آن می پردازیم.

جنوبی ترین گروه از قبائل کرد در ایران بنا به گفته مولف بستان السیاحه چون در شماره اول صدهزار خانه بودند لهذا ایشان را لک نامیدند، زیرا لک عدد صدهزار را گویند. لک ها را که در لرستان زندگی می کنند نباید با لرها اشتباه کرد، زبان لکی به زبان کردی بیشتر شبیه است تا گویش لری، شاه عباس اول صفوی لک ها را به لرستان منتقل کرد و در آنجا سکونت داد. اراضی مسکونی لک ها شمال و شمال غربی لرستان است که گاهی لکستان خوانده می شود (مصاحب - ۱۳۴۵).

۱-۳-۲) تفاوت گویش لکی و لری از دیدگاه زبان شناسی

تا کنون مرز میان دو گویش لکی و لری از دیدگاه زبان شناسی و تحولات صوتی حاکم بر زبانهای ایرانی مشخص نگردیده است. گروهی گویش لکی و لری را در زمره گویش های جنوب غربی ایران محسوب می دارند و گروهی دیگر لکی را جزء گویش های شمالی و لری را شاخه ای از گویش های جنوب غربی می دانند.

در این قسمت سعی خواهیم کرد نتیجه حاصل از مطالعه آثار مختلف در باب گویش لکی و لری را بیاوریم البته همانطور که گفته شد تا کنون نظری قطعی در این مورد ارائه نشده است.

پایه تقسیم بندی زبانهای ایرانی به دو گروه اصلی می باشد. یکی زبانهای غربی ایرانی و دیگر زبانهای شرقی ایرانی. زبانهای ایرانی که دنباله لهجه های غربی باستانی هستند، جزء گروه زبانهای غربی ایرانی به شمار می روند و آنهایی که دنباله لهجه های شرقی هستند جزء گروه زبانهای شرقی ایرانی به شمار می روند.

زبانهای ایرانی غربی به دو گروه تقسیم می گردند: ۱- زبانهای ایرانی شمال غربی ۲- زبانهای ایرانی جنوب غربی .